

مؤسس نهضت ملی مترقی
”جوانان بیدار“



محمد رسول پښتون

۱۲۷۹ - ۱۳۶۱ هـ ش

روانشاد محترم محمدرسول پشتون فرزند مرحوم حاجی خدایارخان^(۱۰۲) (نماینده و بزرگ همه ذریه های عشیرهٔ بارکزایی در لویه جرگهٔ ۱۳۰۲ ش.م.)، نواسهٔ مرحوم الله یارخان (شهید جنگ میوند ۱۸۸۰ م.)، کواسهٔ مرحوم حبیب الله خان و از نبیرهٔ ”لو ادی“^(۳)، مرحوم عبدالمنصورخان بارکزایی (منصور نیکه^(۴)) و روانشاد سردار عبدالله خان بارکزایی مشهور به ”کلان خان یا لوی خان“ میباشند. به حوالهٔ ریش سپیدان و بزرگان منطقه، روانشاد سردار عبدالله خان بارکزایی در زمان احمدشاه بابا در جنگ پانی پت به مقام شهادت رسیده و تنها ”سر“ این مرحوم به قندهار آورده شده و در ”غندی منصور“ دفن گردیده است.

محترم محمدرسول پشتون در اوایل ماه میزان سال ۱۲۷۹ هجری شمسی مصادف با اواخر ماه سپتمبر ۱۹۰۰ میلادی و در اوایل جمادی الثانی ۱۳۱۸ هجری قمری در قریه ای منصور قندهار منصورغونوی که در سی کیلومتری جنوب شهر قندهار موقعیت دارد، در یک خانوادهٔ بارسوخ و برجسته متولد گردیده اند. تحصیلات ابتدایی را نزد والدینش و علمای شهیر قندهار فرا گرفت. در فلسفه، حقوق، اصول شرعی، فقه و علوم سیاسی صاحب مطالعه عمیق و طرفدار سرسخت حاکمیت ملی، قانونیت و عدالت اجتماعی، دیموکراسی واقعی و نظام شاهی مشروطه بودند و تا آخرین لحظات زندگی بر ضد خرافات مبارزه نمودند.

روانشاد پشتون یک شخصیت مؤمن، وطنپرست و اجتماعی بودند. به اساس مصاحبهٔ ثبت شدهٔ شاغلی محمددین ژواک، مرحوم خان عبدالغفارخان ”پاچاخان“، روانشاد پشتون را ”فخر بارک“ نامیده بودند. مرحوم پشتون یکی از علمبرداران و پیشتازان دورهٔ سوم مشروطه خواهان و بنیانگذار و موسس نهضت های ”میثاق“، ”ویش زلمی یا جوان بیدار“ (قبل از سال ۱۳۰۷ شمسی) و ”افغان ورورگویی“ ۱۳۴۴ شمسی بودند.

مرحوم پشتون به تاریخ سیزده هم سرطان سال ۱۳۶۱ شمسی مصادف با چهارم جولای سال ۱۹۸۲ میلادی به عمر هشتاد دو سالگی در شهر کابل داعی اجل را لبیک گفته و در شهدای صالحین کابل دفن گردیدند. خداوند^۵ مغفرت شان نمایند.

نوشته روانشاد پوهاند عبدالشکور رشاد به ارتباط پیدایش و درگذشت محترم پشتون صاحب بر سنگ قبرشان چنین حک شده است:

”انالله و انالیه راجعون“

اینجا محتاج دعای شما محمدرسول پشتون فرزند حاجی خدایارخان بارکزایی مدفون است.

او در سال ۱۳۱۸ ه ق (۱۲۷۹ ش. ۱۹۰۰ م.) در قندهار متولد گردیده و به تاریخ سیزده هم رمضان المبارک در ۱۴۰۲ ه ق

(۱۳ سرطان ۱۳۶۱ ش. چهارم جولای ۱۹۸۲ م.) در کابل به حق رسید.

پشتون از ایام جوانی تا دم مرگ برضد خرافات جنگیده، برای حقوق و آزادی مردم مبارزه نموده و به همین ”جرم“ یازده سال حبس سیاسی را هم متقبل شد.

اللهم اجزه بما صبر جنته وحریرا“

(۱) شاغلی غبار در صفحهٔ ۷۶۲ ”افغانستان در مسیر تاریخ“ در مورد حاجی خدایارخان بارکزایی نوشته اند که او با همراهی ریش سپیدان دیگر قندهاری از عملی شدن دسیسهٔ (شهید کوچک) که یکی از توطئه فتنه انگیزی انگلیسها بود جلوگیری به عمل آوردند.

(۲) در زمان سلطنت اعلیحضرت امیرعبدالرحمن خان در جنوب و جنوب غرب افغانستان (لوی کندهار) بر تمام اقوام بارکزایی مالیه زمین حواله گردید. پرداخت این مالیه زمین در دورهٔ سلطنت اعلیحضرت امان الله خان هم دوام یافته و به سطح منطقه یک مسئلهٔ بغرنج بود. درین زمان بارکزاییهای لوی کندهار در یک اجتماع سراسری تصمیم گرفتند تا چنان شخصی را به عنوان نماینده شان انتخاب نمایند که هم دارای محبوبیت و رسوخ قومی بوده و هم در مکالمهٔ زبان دری فصیح باشد تا بتوانند توسط این شخص حکومت را در کابل قانع ساخته و زمین های شان را که اکثر آن خشک آبه بوده و حاصلات بسیار ناچیز از آن بدست میآید از دادن مالیه معاف دارند.

در نتیجه این گردهمایی حاجی خدایارخان (حاجی بابا) یگانه شخصی بودند که هم زعامت قومی داشتند و هم زبان دری را فصیح میدانستند، انتخاب گردیدند. حاجی خدایارخان عازم کابل شدند و چند ماهی در آنجا سکونت اختیار نمودند. بعد از ارایه نمودن یک عده دلایل منطقی، حکومت و دربار را به این قانع ساختند که جایادهای بارکزاییها را از دادن مالیه معاف بدارند. بعد از مرگ شان اعلیحضرت امان الله خان نیز مالیه ای زمین بارکزاییها را معاف قرار داده و متعاقباً تا آخر سلطنت اعلیحضرت محمدظاهرشاه، بارکزاییها از دادن مالیه زمین های شان معاف باقی ماندند. این عملکرد به ارتباط لوی کندهار یکی از کارنامه های سترگی حاجی بابا شمرده می شود.

(۳) لو ادی مادر وزیر فتح خان، خواهر مرحوم عبدالمنصورخان بارکزایی و مرحوم حبیب الله خان بارکزایی (پدر پدرکلان مرحوم محمدرسول پشتون) و زوجهٔ سردار پاینده خان بود. نهاد اصلی سلطنت بارکزاییها را همین بانو گذاشت.

(۴) منشی عظامحمد شکارپوری در صفحات ۲۳۰ - ۲۳۸، ۸۴۹ - ۸۵۴، ۸۶۶ - ۸۷۲ ”نوی معارک“ دربارهٔ مرحوم عبدالمنصورخان ابازی بارکزایی نوشته است که او در زمان اعلیحضرت شاه محمود تا ۱۲۴۰ ه ق آخرین حکمران افغانی در شکارپور هند بود.

وظایف رسمی:

- روانشاد محمدرسول پشتون به ارتباط ماموریت های رسمی شان چنین مینگارند:
- ۱- به حیث کندکشر در عصر اعلیحضرت امان الله خان در غوند جدیدالتاسیس (انشا)؛
 - ۲- علاقه دار ارغنداب قلات، نوزاد، شورابک (بعد از شورش سقوی) و خاکریز کندهار ۱۳۰۶ - ۱۳۱۰ ش.؛
 - ۳- با ترفیع رتیبوی حاکم اجرستان، سرحدار سپین بولدک ۱۳۱۱ ش.؛
 - ۴- منشی تحریرات شرکت ملی پشتون ۱۳۱۲ ش.؛
 - ۵- کندک مشر و قوماندان امنیه (به رتبه پنج) ولایت فراه ۱۳۱۷ ش.؛
 - ۶- سرمامور پولیس کندهار ۱۳۱۸ ش.؛
 - ۷- مدیر تهیه مصالح وزارت اقتصاد، رییس ترانسپورت، رییس تعمیرات و مدیر ارزاق در پلخمري ۱۳۱۹ - ۱۳۲۱ ش.؛
 - ۸- معاون مدیریت فنی فابریکه جبل السراج ۱۳۲۳ ش.؛
 - ۹- رییس تفتیش پلخمري ۱۳۲۳ ش.؛
 - ۱۰- مدیر تفتیش و نماینده مستقل شرکت میوه کندهار در خارج از کشور ۱۳۲۴ ش.؛
 - ۱۱- رییس افغان فروت اجنسی در بلوچستان ۱۳۲۵ ش.؛
 - ۱۲- رییس حمل و نقل ملی ۱۳۲۹ ش.؛
 - ۱۳- مدیر عمومی انحصارات دولتی در کابل و بغلان ۱۳۳۰ ش.؛
 - (محبوس سیاسی در بغلان ۱۳۳۱ - ۱۳۴۲ ش.؛)
 - ۱۴- مدیر انحصارات کندز ۱۳۴۳ ش.؛
 - ۱۵- مفتش ریاست انحصارات مرکز ۱۳۴۴ ش.؛
 - (کاندید شورای ملی ۱۳۴۴ ش.؛)
 - ۱۶- مدیر انحصارات کندز ۱۳۴۴ ش. - در دوره صدارت میوندوال به علت نامعلوم بعد از بیست روز از کار برطرف شدم. بعداً شاغلی پویل معاون صدارت اوامر صادر کردند تا واپس به کار خویش مقرر گشته و معاش مدت برطرفی برابم داده شود. این اوامر و مقرری در نتیجه کودتاه محمد داوود خان (۱۳۵۲ ش.) عملی نگردید.

زندگی سیاسی:

به استناد مرحوم حبیبی صاحب (خسربره روانشاد پشتون صاحب) موجودیت مفکوره یک نهضت رستاخیز مترقی نشلیستی با پشتون صاحب قبل از شروع اغتشاش سقوی موجود بود. بدین ارتباط روانشاد پشتون صاحب طی یک یادداشتی که بر محتویات "شرح حال" یا (اتوبیوگرافی) شان استناد دارد و به مرحوم استاد عبدالحی حبیبی سپرده بود، چنین مینگارند:

"ریشه تحریک من قبل از سال ۱۳۰۷ ش. در کندهار موجود بوده و زمان وضع مقررات و کار سازماندهی آن در حدود ده روز قبل از اغتشاش سقوی یعنی آخر سال ۱۳۰۷ ه. ش. خواهد بود. من مرام مشروطه خواهی و تشکیل اتحادیه ای را به رفقای خود پیشنهاد کردم که مورد تصویب قرار گرفت. از جمله متحدین من محمدرقیق خان، میرزا محمداعظم ایازی، منشی منظورمحمد، محمدرکیم سرمعلم رشديه، اولیاءالدین خان، معلمان و متعلمان مکتب وغیره بودند. از آن جمله که درست به یاد دارم مسلم نام، شخص مشهوریست که تا هنوز حیات دارد و در کندهار بسر میبرد."

مرحوم محمدرسول خان پشتون در سال ۱۳۱۵ ش. با مرحوم محمدگل خان مومند در ولایات شمالی همکاری بودند و برای استقرار یک نظام شاهی مشروطه گفتگوهایی را با غلام حسن خان ساپی به ارتباط یک حرکت دسته جمعی شروع نمودند. چندی بعد وقتی آنها در پشاور با هم ملاقات کردند، تصمیم گرفتند تا پشتون در لوی کندهار و غلام حسن خان ساپی در لوی ننگرهار به منظور استقرار یک نظام شاهی مشروطه به یک تحریک سیاسی مسالمت آمیز دست به عمل

شوند. منورین کندهار و ننگرهار به صورت دسته جمعی به این تفاهم رسیدند که منورین کندهار در لوی کندهار و منورین ننگرهار در لوی ننگرهار به منظور یک نظام شاهی مشروطه و پیاده کردن دیموکراسی به صورت عالمانه و عاملانه تحریک مسالمت آمیزی را شروع میکنند. در سال ۱۳۲۵ش. دوره اختناق و استبدادی صدراعظم محمدهاشم خان به پایان رسیده مستعفی گردید و برادرش شاه محمودخان وزیردفاع به حیث صدراعظم برگزیده شد. صدراعظم شاه محمودخان از ترس اینکه مبدا ملت افغان بر ضد استبداد نظام خودکام و مطلقه تحت عنوان یک عمل نهایی دست به قیام عمومی زند، جهت خود را در امور مملکت تغییر داده و به منظور استمالت و همدردی، زندانها را از وجود محبوسین سیاسی خالی نمود و درعین زمان از یک سو زمره یک دیموکراسی کاذب را شروع و از سوی دیگر وعده یک سلسله اصلاحات را نمود و نشرات آزاد و انتخابات آزاد را برای شاورالی و دوره دوم شورا قبول نمود. بدین منوال جوانان بیدار^(۵) در سال ۱۳۲۶ش. رسالت تاریخی و مکلفیت ملی جوانان بیدار بطور اقتراح مطرح و خواهان نظر منورین و دانشمندان آزمان گردید. همان بود که چهل و سه تن دانشمندان، منورین، صاحبان قلم و نظر چنین ابراز نظر نمود که جوانان بیدار مظهر قدرت ملت افغان و پیشتاز یک تحریک دسته جمعی ملی و اجتماعی بوده و مکلفیت و مسوولیت دارد تا بدون وقفه داخل میدان سیاست و زندگی اجتماعی گردد. به همین اساس محمدرسول پشتون به همنوایی جوانان بیدار دیگر علناً یک تحریک مجموعی مسالمت آمیزی را بمنظور استقرار یک نظام شاهی مشروطه و دیموکراسی واقعی تحت یک خط مشی منطقی و معقول شروع نمود. این شخصیت سیاسی یک موسس انحراف ناپذیر و مبارز سرسخت نهضت متشکل جوانان بیدار بود و این انحراف ناپذیری شان سبب آن گردید تا به مدت یازده سال و هشت ماه در یک حبس مشقت بار سیاسی بسر برد.

یکی از فرزندان واقعی و نیشنلیست مادروطن شاغلی محمداوود مومند در یکی از نشریه های آیینۀ افغانستان که در امریکا به نشر میرسید مقاله ای نوشته بودند. عنوان مقاله بود: "علمبردار دوره سوم مشروطیت خواهی: محمدرسول پشتون". شاغلی مومند درین مقاله نوشت که: "پشتون بصورت ذاتی و جبلی از شهرت و اقتدار نفرت داشت. پشتون به یکی از رفقای دوره مبارزه اش مرحوم ... که بعداً به مقام های وزارت و سفارت رسید، گفته بود که: شما یک دیپلوم هم ندارید، لیکن من بیست دیپلوم دارم (منظور پشتون صاحب از استعفانامه های بی شمارش بود) شما در قصرها زندگی میکنید و من خان بدوشم. شما ... مگر من تقاعد هم ندارم. شما متلون المزاج هستید، لیکن من در زندگی ام از اصول خویش عدول نکرده و با این اصول یکجا خواهم مُرد ..."

آثار:

قسمت زیادی زندگی شخصیت مبارز ملی و اجتماعی محمدرسول خان پشتون در فعالیت های سیاسی و زندانها سپری گردیده است. گرچه عاشق سرسخت تعلیم و تحصیل بودند و همیشه درین باره سخن میگفتند، اما به نوشتن آثار زیادی وقت پیدا نکرد. به آثار و تالیفات نوشته شده مرحوم پشتون صاحب ذیلاً اشاره میگردد:

- خالص تاریخچه جوانان بیدار، ناچاپ.
- ترجمه عقاید ابوشکور سالمی به دری، ناچاپ.
- اندیشه ها: حاوی مقالات سیاسی، فلسفی، اجتماعی، اخلاقی و ده ها و جایز، ناچاپ.
- تلخیص تاریخچه جهان، ناچاپ.
- تلخیصات در شش جلد.
- رساله نهضت نسوان عصر امانی.
- مالیخولیای من: ناچاپ. این کتاب نماینگر افکار فلسفی مرحوم پشتون صاحب بود که به امر رییس وقت مطبوعه ملی بدون کدام دلیل! از چاپ باز ماند و برای مدتی مفقود گردید. چند روز بعد از وفات پشتون صاحب نسخه اصلی این کتاب یکجا با کتابهای مهم دیگر و نوشته ها و اسناد توسط بدمعاشان "خاد" در طی یک تلاشی نیمه شب هراس افکن از منزل مرحوم پشتون صاحب بیرون برده شده و برای همیشه مفقودالثر گردیدند. پشتون صاحب علاقه مند بیحد مطالعه بودند و همیشه در دوران مطالعه، تفکرات، تبصره ها و نقدهای خویش را در کتابچه های کوچکی به اندازه ۳ در ۵ انچ که هر یکی در حدود سه تا چهارصد صفحه داشت، مینوشتند. مجموعه بزرگی این کتابچه ها که طی سالهای متمادی جمع آوری گردیده بودند، نیز توسط بدمعاشان "خاد" به یغما برده شد.
- مقالات، نثر و اشعار متعدد در مجله کابل، انگار، طلوع افغان، کاروان، افغانملت و جراید دیگر چاپ و به نشر رسیده اند.

(۵) تاریخ نوین افغانستان — تالیف یوید گانکوفسکی و مسکو موسیل، مترجمین: دکتر ابراهیم عثمان، دکتر قربان بابایوف، جمрад جمشید - دپارتمنت تاریخ نوین افغانستان، پوهنخی تاریخ و فلسفه، پوهنتون کابل، چاپ ۳ - ۱۳۶۵ مطبوعه پوهنتون.

مأخذ فوق به این ارتباط چنین مینگارد:

"... Dissemination of ideas that reflected the interests of the middle strata, led in 1947 to the emergence of political organization "Vish zalmiyan" ("Awakened Youth"). It was quite colorful in its social composition movement. The number of participants does not exceed 100 persons. In its ranks were the petty bourgeoisie, the bureaucracy, the intelligentsia, and the clergy. At the head was a small landowner from Kandahar Muhammad Rasul Khan Pashtun."

پشتون در پهلوی اینکه یک مبارز ملی بود و در راه رسیدن به آرمانهای ملی، محرومیت و زندانها را متقبل شد، از اصول خویش هیچگاه عدول نکرد، بعضاً به اشعار و نظم هم پناه میبرد. او با داشتن یک حافظه قوی تحت مراقبت مادرش توانست تا در سن شش سالگی در حدود پنج هزار قطعه اشعار پشتو و دری را حفظ کنند. اشعار را چنان زیبا و دلپذیر قرائت میکردند که اکثراً به دربار نایب الحکومگی قندهار به حضور نایب الحکومه سردار محمدعثمان مشرقی که شخص شان هم شاعر خوبی بودند، به معیت والد بزرگش دعوت گردیده و شعرسرایی میکردند. مرحوم پشتون به تحصیلات خود تحت مراقبت والدینش و بعداً هم تحت نظر علمای شهیر قندهار ادامه داده که با قوانین شرع و ایده های علمی اسلامی معرفت تام حاصل و قرآن را هم حفظ نمودند.



- ۱- مرحوم عبدالباقی کریمی علومى - رئيس محاسبات صدارت
- ۲- شهيد محمدهاشم ميرندوال بعداً صدراعظم
- ۳- مرحوم محمدرسول خان پشتون - وپښ څلمى که جمعاً ۱۴ سال حبس سياسى را گذشتاند
- ۴- عبدالخالق اخندزاده - وپښ څلمى
- ۵- نوراحمد شاکر - وپښ څلمى - معلم - پناهنده در دهلى
- ۶- صالح محمد - مدير انکشاف دهات
- ۷- محمود
- ۸- مرحوم استاد قيام الدين خادم
- ۹- عبدالهادى
- ۱۰- غندمشر محمدحسين - پدر ببرک
- ۱۱- گل پاچا الفت (?)

کابل - ۱۹۵۰ - تظاهرات جوانان بيدار په طرفدارى غلام حسن خان صافى،
پا تشکرات کلبى از قامپل محترم علومى صاحب که اين تصوير تاريخى را با ما شريک ساخته اند.

مبارز ملی روانشاد محمدرسول پشتون
کندکشر و قوماندان امنیه - فراه (۱۳۱۷ ش)



مؤسس نهضت ملی مترقی "جوانان بيدار" روانشاد محمدرسول پشتون
بندی سياسى در بغلان (۱۳۴۱ هـ ش .)

